

تحلیل فمینیستی تفسیر کتاب مقدس با استفاده از الگوی هرمنوتیکی شوسلر فیورنزا^۱

نازنین کیانی فرد

دانشجوی دکتری رشته مطالعات تطبیقی زن در ادیان، دانشکده مطالعات زن و خانواده، دانشگاه ادیان و

مذاهب قم، ایران

مهدی لکزایی^۲

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران

چکیده

الیزابت شوسلر فیورنزا از متألهان فمینیست است. او ضمن تعهد به اصول مسیحی با ارائه الگوی هفت‌گانه هرمنوتیکی خود، یعنی هرمنوتیک تجربه، سلطه، سوءظن، سنجش و ارزیابی انتقادی، تجسم خلاقانه، خاطره و بازسازی و نیز تغییر و سیوروت درصدد تأویلی متفاوت از متن مقدس است. او با هرمنوتیک سوءظن در خوانش مردم‌محور متن مقدس تردید ایجاد می‌کند. وی سپس ویژگی‌های زبانی و دستوری متن زن‌ستیز را آشکار و سعی می‌کند تا نوشته‌های دگرگون‌شده را به حالت نخستین بازگرداند. فیورنزا همچنین با «هرمنوتیک اعلان» آشکار می‌سازد که چه واقعیاتی حذف و تحریف یا دچار تغییر شده‌اند. در ادامه با «هرمنوتیک یادآوری» تمام گذشته قابل‌استفاده زنان غایب را روایت می‌کند تا در نهایت، با توسل به «هرمنوتیک تجسم و بازسازی» به خلاقیت و نوفهمی در الیهات فمینیستی دست یابد. فیورنزا در لابه‌لای هرمنوتیک هفت‌گانه خود، بحث ضرورت گذار از مفهوم کهن‌الگویی به الگوی آغازین را مطرح می‌کند تا از متن مقدس و تفسیرهای آن ثبات‌زدایی کند و بدین ترتیب امکان تفسیرهای جدید را فراهم کند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر روش انتقادی، ضمن پرداختن به الگوی هرمنوتیکی تأکید دارد که برای بازآفرینی و دگرگونی الیهات زنانه‌نگر رهایی‌بخش، باید در کنار عوامل جنسیتی متنی، به عوامل چندجانبه فرامتنی نیز توجه کرد. همچنین باید «مجموعه سیستم سلطه‌محور» را در تمام ابعاد هرم قدرت در نظر گرفت. علاوه بر آن، ضروری است هم‌زمان با ساختارشکنی، به بازسازی بلاغی نیز توجه نشان داد تا بتوان زنان را از «هوشیاری کاذب»ی که سلطه مردسالاری آن را در بطن متن مردم‌محور مقبولیت بخشیده و به‌نوعی درونی‌سازی کرده است، آگاه کرد تا بتوانند در راستای مبارزه برای رهایی از آن تلاش کنند.

کلیدواژه‌ها

هرمنوتیک هفت‌گانه فیورنزا، کهن‌الگو و الگوی آغازین، مردم‌محوری متون مقدس، الیهات زنانه‌نگر رهایی‌بخش، متن و بین‌متنیت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): m-ilkhani@sbu.ac.ir

مقدمه

تفسیر متون مقدس اعم از سرکوبگرانه یا رهایی‌بخش، با دو دیدگاه به‌ظاهر متضاد مواجه است: از یک‌سو، به‌زعم فیورنزا، کتاب مقدس به زبانی مردم‌محور نوشته شده است که در فرهنگ‌های پدرسالارانه کهن ریشه دارد و طی تاریخ در چهارچوب‌هایی سرکوبگر و زن‌ستیز عمل کرده است؛ از سوی دیگر، کتاب مقدس، الهام‌بخش زنان و دیگر فرودستان نیز بوده و برای مقابله با پدرسالاری و سلطه‌محوری نیز از آن استفاده شده است. با توجه به همین نکته، در الاهیات فمینیستی رهایی‌بخش همواره تأکید می‌شود که از کتاب مقدس فقط برای سرکوب زنان استفاده نشده است؛ بلکه بر اساس تجارب به‌دست‌آمده، کتاب مقدس الهام‌بخش زنان در مبارزات رهایی‌بخش نیز بوده است.

با وجود اینکه برخی محققان فمینیست طرفدار کتاب مقدس، ویژگی مردم‌محور و سلطه‌جویانه این متن را کم‌رنگ می‌کنند، برخی فمینیست‌های پسامسیحی کتاب مقدسی را که زنان به‌شکلی رهایی‌بخش آن را می‌خوانده‌اند و می‌خوانند، نمونه‌ای از آگاهی کاذب می‌دانند. به هر جهت، مطالعات فمینیستی کتاب مقدس هنوز درگیر دو گزینه «این یا آن»^۱ است. فیورنزا معتقد است تفسیر فمینیستی و نقادانه رهایی‌بخش نباید این تضاد را نفی کند؛ بلکه باید آن را عرصه‌ای برای مبارزه در نظر آورد و به هر دو سویه آن توجه داشته باشد. بنابراین، او می‌کوشد تا به‌عنوان متأله در آثار و نظریاتش برای احیای اقتدار زنان، فرایند تفسیر کتاب مقدس را به‌مثابه فرصتی در روند جهانی رهایی، بازآفرینی کند. در این راستا، او کتاب مقدس را ذاتاً زن‌ستیز نمی‌داند؛ بلکه با تفسیر شایسته آن، نقش حمایتگر این متن از زنان را برجسته می‌کند. تفسیر فمینیستی انتقادی و نگاه جدید به ارزیابی متناقض کتاب مقدس، یعنی درپیش‌گرفتن راهکار دوگانه ساختارشکنی^۲ و بازسازی^۳ آن، فیورنزا را بر آن داشت تا الگوی هرمنوتیکی هفت‌مرحله‌ای خود را ارائه کند.^۴

الاهیات و هرمنوتیک فمینیستی: پدرسالاری و جنس و جنسیت

فیورنزا معتقد است که تجربه زنان باید مسیحیت تسخیرشده توسط نظام پدرسالاری را

۱. Either/or

۲. Deconstruction

۳. Reconstruction

۴. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Wisdom Ways*, New York, Orbis Books, 2001, p.

112.

اصلاح کند. کسانی چون مری دیلی^۱ پس از دگرذیسی فکری، سرانجام دست از اعتقاد به مسیحیت برداشتند و بر این باور بودند که نمی‌توان هیچ‌گونه سازشی بین اندیشه زنانه‌نگر و ادیان مردسالار و استفاده انحصاری از زبان و استعاره‌های تأکیدی مردانه برای الوهیت برقرار کرد.^۲ از دیدگاه دیلی، یهودیت و مسیحیت به‌عنوان عرف‌های مردسالارانه و نماد سنت‌گرایی، دارای مشخصه حذف تجربه‌های شخصی زنان و گسترش فراگیر فرهنگ انزجار از زن توسط مردان روحانی هستند. از دید او، تصویر یا نماد «خدای مرد» فقط یکی از ابزارهای متعدد مردسالاری و ظلم بر علیه زنان است.

دیگران نیز کلیسای مسیحیت را متهم به تخریب مکان‌های مقدس و کیش‌های سرّی زنان و ادیان «برتر» زن‌محور می‌نمایند. یهودیت به‌عنوان مبدأ ادیان توحیدی مردسالارانه شناخته شده است. اکثر فمینیست‌ها دیگر نمی‌توانند و نمی‌خواهند به یک پدر قوی و بی‌نهایت و صاحب تمام قدرت‌ها بپیوندند. این چنین خدایی نماد سوءاستفاده از قدرت است. بنابراین، دین چیزی بیشتر از جعبه‌ابزاری برای کنترل مردسالاری و ظلم علیه زنان نیست. از این رو، مفهوم «هویت زنانه» و «انتقال» [شخصیت‌بخشیدن به زنان] محور عمده درخواست آنان است.^۳

الاهیات فمینیستی در بستر فرهنگ و الاهیات مسیحی تکوین یافت و در حقیقت، واکنشی به تبعیض الاهیات سنتی یهودی‌مسیحی علیه زنان است. مفروضات فرهنگی و اجتماعی، اولین موضوع تأثیرگذار بر اندیشه الاهیات فمینیستی است. متألهان زنانه‌نگر بر این باورند که فرهنگ و ادبیات حاکم بر متون دینی و مردسالاری بودن زبان دینی باید تغییر یابد؛ به‌عنوان نمونه، آنان به اصطلاح «تئولوگی»^۴ (مشتمل بر دو کلمه «تئو»^۵ یعنی خدای مذکر و «لوگوس» یعنی کلمه) اعتراض می‌کنند و به‌جای «تئو»، اسم زنانه «تئا»^۶ را پیشنهاد

۱. Mary Daly

۲. دیلی، مری، *فرا ترا از خدای پدر*، فرناز عبدالقاییان، تهران، نشر هرمس، ۱۴۰۰، ص ۴.

۳. Schenkluhn, Angel, "Women's Movement/ Spiritual Feminism", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden & Boston, 2006, Vol. 5, p. 1983-1984.

۴. Theology

۵. Theo

۶. Thea

می دهند یا باب دوم و سوم سفر تکوین را دربردارنده خصومت و دشمنی با زنان می دانند.^۱ همین نکته درباره «تاریخ مذکر»^۲ و «تاریخ به روایت زنان»^۳ نیز صادق است. تاریخ را فاتحان و مردان نوشته اند و هیچ واقعه تاریخی ای از دریچه چشم زنان نقل نشده است.^۴ تأکید ادیان روی جنس و جنسیت، حساسیت فکری برخی از فمینیست ها را چنان برانگیخت که امروزه این بحث ها به موضوع اصلی الاهیات و هرمنوتیک فمینیستی بدل شده است. نسبت میان جنسیت و دین در سطوح گوناگونی مطرح شده است که با هم ارتباط دوسویه دارند؛ از یک سو، ادیان تأثیر عمیقی بر معنای جنسیت و نقش های جنسی در جامعه دارند و از سوی دیگر، جنسیت مضمونی کلیدی در نظام های تفسیری دینی است. به ویژه اسطوره های ادیان گوناگون، معنای پیچیده جنسیت را به عنوان مرز میان طبیعت و فرهنگ و پیوند نزدیک این دو را با مرزهای تجربه انسانی نظیر ظهور زندگی و خلاقیت، امور گذرا و مرگ و البته حوزه هایی همچون قدرت، حکومت، وابستگی و عشق روشن می سازند.^۵

ادیان از طریق رهنمودها و امرونهی های مشخص بر نقش اجتماعی جنسیت تأثیر مستقیم دارند. دین از طریق الگوها (آرمان سازی) یا نمایش های هول انگیز (وصف اهریمنان) تأثیر ژرفی بر تصویرهای خیالی از جنس و سلسله مراتب مبتنی بر نقش دارد؛ برای نمونه، دوگانه نگاری هایی نظیر بدن و روح درباره مردان و زنان واقعی به کار برده می شود یا رفتارهای خاصی به عنوان اوصاف ذاتی به آنان نسبت داده می شود. آنگاه تصویرهای مربوط به نقش های جنسیتی و روابط مبتنی بر جنس و تفاوت های جنسی نیز اثر خود را به طور جدی بر اذهان حک می کنند و تبدیل به عناصری می شوند برای تصویرهای جهانی که به صورت قالب های ذهنی درآمده اند. نمونه های گفته شده معمولاً تصویرهای زنانه

۱. Trible, Phylis, "Eve and Adam: Genesis 2-3 Reread", *Womanspirit Rising: A Feminist Reader in Religion*, Ed by Carol P. Christ & Judith Plaskow, 1979, p. 74.

۲. History

۳. Herstory

۴. Collins, Shila, "Reflections on the Meaning of Herstory", *Womanspirit Rising: A Feminist Reader in Religion*, Ed by Carol P. Christ & Judith Plaskow, 1979, p. 68-71.

۵. حیدرزاده، زهرا، «بررسی جایگاه زنان در اندیشه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: دوگانه زن آسمانی - زن زمینی»، *مطالعات*

اسطوره‌ای، مانند پاندورا، پرومته یا حوا، مرگ و تیره‌روزی را برای جهان به ارمغان می‌آورند. چنین تصویرهای ذهنی پیشینی، اغلب مبنایی می‌شوند برای توجیحات دینی صورت‌گرفته در جهت تنزل مقام زن در جامعه و البته این موضوع، عمیقاً ساختار قواعد و حکومت و تفاوت‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.^۲

نقطه آغاز الاهیات فمینیستی رهایی‌بخش، تجربه و شنیدن صداهای سرکوب‌شدگان و به‌حاشیه‌رانده‌شدگان است، زنانی که به‌طور سنتی از الاهیات و زندگی مذهبی کنار گذاشته شده‌اند. مدت‌ها پیش از ظهور نظریه‌های فمینیستی پسامدرن، الاهیات فمینیستی آزادی‌بخش علاوه بر اینکه ماهیت چندوجهی و بافتاری دانش و تفسیر را درک می‌کرد، تأکید داشت که از دانش و الاهیات همواره، دانسته یا نادانسته، به زیان محرومان استفاده شده است. اولین مسئله در الاهیات فمینیستی نیز همین مفروضات فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر اندیشه‌ی الاهیاتی بود. هرمنوتیک سوءظن فیورنزا در پاسخ به چنین نظام‌های مطلق، به جست‌وجوی معیارها و گرایش‌های پنهان موجود در متون دینی می‌پردازد.^۳ او با تکیه بر الگوی هرمنوتیکی هفت‌مرحله‌ای سعی در ارائه راهکاری داشته است برای خوانش جدیدی از کتاب مقدس، مبتنی بر حضور واقعیتی به نام زن.

هرمنوتیک هفت‌مرحله‌ای

فیورنزا در مرحله نخست با «هرمنوتیک تجربه» از نظر اجتماعی به تجربه می‌پردازد. در دومین مرحله از طریق «هرمنوتیک سلطه» با نگاهی نافذ تحلیل تاریخی از پدیده سلطه ارائه می‌کند. وی در ادامه با «هرمنوتیک سوءظن» متن مقدس را با تردید می‌نگرد. سپس به وسیله «هرمنوتیک سنجش و ارزیابی» اخلاقیات و اعتقادات رایج و کلیشه‌ای را بازبینی و ارزیابی دوباره می‌کند. «هرمنوتیک تجسم خلاقانه، بازآفرینی، بازسازی و تغییر» نیز سه مرحله پایانی هستند که هریک به کمک دیگری تبیین می‌شوند.^۴ این راهکارها باید علاوه بر داشتن خاصیت تناوبی و تکاملی، ویژگی‌های سازنده و تکرارشونده و تعاملی (برهم‌کنشی) نیز

۱. Pandora

۲. Grieser, Alexandra, "Sexuality", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden & Boston, 2006, Vol. 4, p. 1710-1712.

۳. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Changing Horizons, Explorations in Feminist Interpretation*, Minneapolis, Fortress Press, 2013, p. 101.

۴. Schussler Fiorenza, *Wisdom Ways*, p. 165.

داشته باشند.^۱

وی با کمک این الگوی هفت‌گانه، هرمنوتیکی جنسیتی را ذیل چهار محور (تفسیرکننده، متن، جهان و ایدئولوژی)^۲ که حقیقت میان آن‌ها در گردش است، برمی‌گزیند تا روایت‌های بازگوشده یا تحریف‌شده تاریخ کتاب مقدس را بازخوانی کند. به‌علاوه، فن «بلاغی تاریخی»^۳ دوگانه‌ای نیز مدنظر او است. راهکارهای هرمنوتیکی هفت‌گانه، شیوه‌های بلاغی غنی‌ای هستند که بنا بر باور فیورنزا می‌توانند جایگزین روش‌های ثابت دانشگاهی و تفسیر جانب‌دارانه کتاب مقدس باشند، روش‌هایی که به نظر می‌رسد حتی روی مطالعات زنان درباره کتاب مقدس نیز اثر گذاشته‌اند.

فیورنزا برای نیل به چنین الگوی تعاملی پیچیده‌ای، ویژگی‌های مثبت‌گرایانه رایج در مطالعات کتاب مقدس و فرم بلاغی جست‌وجوی آن را با هدف تغییر شکل هر دو، به چالش می‌کشد. همچنین وی می‌کوشد تا با خلق و آشکارسازی بخش پنهان‌شده زنان در متون مقدس، رنگ تفسیر مردمحورانه را از «هیچ‌کس‌ها»^۴ می‌گم‌شده در تاریخ مذکر پاک کند و معنای دگرگون‌شده آن را در خود متن مقدس شناسایی نماید. بی‌تردید، او نه تنها به غبارروبی یا کشف نادیدنی‌ها پرداخته، بلکه به خلق یا بازسازی پدیده‌هایی نیز توجه کرده است که پیش از آن هیچ معنا و مفهومی نداشته‌اند. او همواره تأکید می‌کند که نقد فمینیستی باید توجه خود را روی زنان در حال مبارزه، در لایه‌های زیرین «هرم سلسله‌مراتبی سلطه و استثمار»^۵ متمرکز کند و حتی نقطه‌نظر هرمنوتیکی‌اش را روی آن‌ها بنا کند؛ زیرا مبارزه آنان بر ملاکننده دیدگاه سرکوب و سلطه همه‌جانبه است.

به‌زعم فیورنزا در این الگو، متون دینی به مثابه متونی بلاغی در نظر گرفته می‌شوند که در جریان مباحثه‌ها و مبارزه‌های تاریخی شکل گرفته‌اند. الگوی تفسیر فمینیستی و منتقدانه، برای رهایی به دنبال دستیابی به اولویت نقطه آغاز فعلی تفسیر و اثبات یکپارچگی و تقسیم‌ناپذیری روند آن است. این الگوی پیچیده تفسیری که درگیر روند هرمنوتیک «ساختار شکنی و بازسازی»^۶ و «بازیابی و نقد»^۱ است، هم در متن و هم در تفسیر به کار

۱. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *In Memory of Her*, New York, Crossroad Publishing, 1994, p.189

۲. Interpreter, text, world, ideology

۳. Historical-rhetoric

۴. Nonbeings

۵. Kyriarchal pyramid of domination and exploitation

۶. Deconstruction and reconstruction

گرفته می‌شود. الگوی گفته‌شده، درصدد غلبه بر شکاف‌های هرمنوتیکی^۲ میان «حس و معنا»^۳، «توضیح و شناخت»^۴، «نقد و پذیرش»^۵، «فاصله‌گرفتن و همدلی»^۶ و نیز خواندن پشت و جلوی متن^۷، پیدا و پنهان متن، زمان حال و گذشته، تفسیر، کاربرد، واقعیت‌گرایی و تخیل است.

نائومی هایمن^۸ تفسیر خردمندانه فمینیستی را همان «فضاهای سپید میان خطوط سیاه»^۹ می‌داند. او ضمن نقد و تحلیل شیوه‌های بلاغی متون مقدس، با تکنیک چرخش‌ها و تأویل‌های هفت‌گانه و وضع اصطلاحاتی عاری از بار جنسیتی یا جهت‌گیرانه، تمام همت خود را به هموارکردن مسیر تأویل زنانه کتاب مقدس (تفاسیر رایج و رسمی) توسط خوانندگان زن معطوف می‌کند.^{۱۰} به همین دلیل، فیورنزا به صراحت تأکید می‌کند که باید زنان را به‌عنوان نمایندگان تاریخی در مرکز توجه قرار داد. در راستای رسیدن به این هدف، علاوه بر کوشش برای ساختارشکنی و انجام آن، نوعی بازسازی روش‌شناختی تفسیری نیز لازم است. اگر «سکه فمینیستی»^{۱۱} بخواهد ارزش خود را حفظ کند، باید دو رو داشته باشد و هم‌زمان دو جنبه «ساختارشکنی» و «بازسازی» خود را نیز فعال نگاه دارد.^{۱۲}

از آنجا که زنان نیز باورها و ارزش‌های سلطه را درونی کرده‌اند و «دریافت همگانی»^{۱۳} توسط آن‌ها شکل گرفته است، نقطه آغاز هرمنوتیک فمینیستی باید بررسی انتقادی تجربیات زنان و جایگاهشان از طریق «هشیارسازی»^{۱۴} در نظام‌های سرکوب و

۱. Critique and retrieval

۲. Hermeneutical splits

۳. Sense and meaning

۴. Explanation and understanding

۵. Critique and consent

۶. Distanciation and empathy

۷. Behind and in front of text

۸. Naomi Hyman, *Biblical Women in the Midrash: A Sourcebook*, New York, Jason Aronson, 1997, p. 87.

۹. The white spaces between the black letters

۱۰. Schussler Fiorenza, *Wisdom Ways*, p. 169.

۱۱. Feminism coin

۱۲. Schussler Fiorenza, *Sharing Her Word*, Boston, Beacon Press, 1998, p. 76-80.

۱۳. Common conception

۱۴. Conscientization

مبارزه‌ رهایی‌بخش باشد. برای دستیابی به این هدف، باید دیدگاه تحلیلی فمینیستی و فراگیری را از سلطه یا همان دیدگاه سرکوب همه‌جانبه‌هرم قدرت ایجاد کرد. با ایجاد این دیدگاه، می‌توان علاوه بر ابهام‌زدایی از شیوه‌های ایدئولوژیکی (مذهبی اعتقادی) که متون و سنن مقدس توسط آن‌ها این نظام سلطه را القا کرده‌اند و به آن مشروعیت بخشیده‌اند، ظرفیت آن‌ها برای میدان‌دهی به عدالت و رهایی را نیز توضیح داد.

تفسیرهای فمینیستی‌ای که مبارزات زنان علیه ستم مضاعف را در اولویت قرار نداده‌اند و متن مذهبی و چهارچوب‌های رایج عقیدتی، معنوی و تئوریک را برتر می‌دانند، نمی‌توانند رهایی‌بخش باشند. فیورنزا خوانش‌های فمینیستی مبارزه‌زنان علیه ستم را در روند تفسیر با هرمنوتیک سوءظن ادامه می‌دهد. هرمنوتیک سوءظن علاوه بر پیش‌فرض‌ها و منافع مفسران، ساختارهای مردم‌محور متن را دقیق بررسی می‌کند. وی به هرمنوتیک سوءظن، به معنای «هرمنوتیکی مبتنی بر کشف و دریافت امر غایب، با این فرض که جهان دارای نظم است که می‌توان زوایای پنهان آن را که تاکنون از آن غفلت شده است، کشف کرد»، باور ندارد؛ بلکه هرمنوتیک سوءظن را چیزی می‌داند که با به‌کارگیری آن، شخص با انواع ظاهرسازی‌های به‌کاررفته برای پوشاندن و تحریف واقعیت آشنا می‌شود و پس از دچار شدن به تردید، آن را آشکار می‌سازد.^۱

هرمنوتیک تجربه

در اکثر ادیان، تجربه‌ مردانه معیار کل انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. در نوشتار دینی مردی که میل جنسی خود را مهار و بر آن غلبه کند، محک انسان آرمانی و سوژه فعال^۲ و نماینده واقعی نژاد انسانی است. فمینیست‌های تجربه‌گرا طی فرآیند پژوهش‌های خود، در پی اعتباربخشیدن به ارزش‌های زنانه صرف هستند و با روش‌های بی‌طرفانه سعی در به‌کارگیری حداقلی جهت‌گیری‌های جنسیتی در شیوه‌های مرسوم پژوهشی و معرفت‌شناسی بومی دارند.^۳ این در حالی است که در ادیان توحیدی، اعراض و روی‌گردانی از امور زنانه با ارج و قرب‌الانتر مرد همراه بوده است. مرد متدین خود را با فعالیت «غیرزنانه» (یعنی معنوی) و روابط «پاک» (یعنی مشروع) با زنان تعریف می‌کند و باید بکوشد خود را از

۱. Schussler Fiorenza, *Wisdom Ways*, p. 166.

۲. Active subject

۳. مبلغ، زهرا، *ایمان به‌مثابه عقل*، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲.

وسوسه زنان حفظ کند.^۱ از سوی دیگر، نظریه اخلاق مراقبت^۲ تجربیات زنان را که اغلب نادیده گرفته شده‌اند یا بی‌ارزش دانسته شده‌اند، با فهم جدیدی از اخلاق و آرمان و ارزش‌های اخلاقی دیگر ارائه می‌دهد.^۳

گفتنی است که از دیدگاه فیورنزا، تفسیر نه با در مرکز توجه قراردادن متون و سنن غالب مردمحور، بلکه با هرمنوتیک تجربه آغاز می‌شود. تفسیر فمینیستی انتقادی بلاغی رهایی‌بخش، به‌طور خاص به مبارزه زنان لایه‌زیرین هرم سلطه و استعمار توجه می‌کند؛ زیرا وضعیت این گروه نشان‌دهنده محوریت سرکوب و انسانیت‌زدایی است که تهدیدی برای زنان به حساب می‌آید. به‌طور خلاصه، تفسیر فمینیستی منتقدانه برای رهایی فقط با تجربه آغاز نمی‌شود؛ بلکه نقطه آغاز آن بازتاب تجربه زنان لایه‌زیرین اجتماع است که برای بقا و بهروزی مبارزه می‌کنند.^۴

هرمنوتیک سلطه و موقعیت اجتماعی

زبان سلطه‌محور یا به عبارت دیگر «مردمحور»،^۵ واقعیت را نه تنها پنهان می‌کند، بلکه شکل خاصی نیز بدان می‌بخشد و سپس برساخته‌های استحاله‌شده خود را از طریق «درونی‌کردن»^۶ آن‌ها ثابت می‌کند. متون سلطه‌محور، ادبیات کلاسیک، هنرهای بصری، پژوهش‌های علمی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و الاهیات مبتنی بر مردمحوری مستتر در متن، واقعیت را «آن‌گونه که هست» پنهان نمی‌کنند؛ بلکه آن‌ها به‌عنوان برساخته‌هایی ایدئولوژیکی، نامرئی‌بودن و در حاشیه قرارداشتن زنان را به‌مثابه واقعیت موجود معرفی می‌کنند. با توجه به آنچه فیورنزا در باب مجموعه سیستم سلطه‌محور بازگو کرده است، سلطه و سرکوب در هرم قدرت در تمام جوانب باید بررسی شود. بر این اساس، هرمنوتیک سوءظن اقدامی علیه درونی‌سازی و ابهام‌زدایی است؛ نه کنکاش در لایه‌های متعدد رسوبات فرهنگی که «حقیقتی ژرف‌تر» را پنهان یا سرکوب کرده‌اند.^۷

۱. Alexandra Grieser, "Gender Stereotypes", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden & Boston, 2006, Vol. 2, p. 782.

۲. Ethics of care

۳. نصر اصفهانی، مریم، پروای دیگران، درآمدی بر فلسفه اخلاق مراقبت، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹، ص ۲۶.

4. Schussler Fiorenza, *Wisdom Ways*, p. 170.

5. Androcentric

6. Internalize

7. Ibid, p. 173.

هرمنوتیک سوءظن

زبان سلطه‌محور، واقعیت را به‌روشنی خاصی می‌سازد و با طبیعی جلوه‌دادن ساخته‌هایش، به آن حالتی رمزآلود می‌بخشد. از این‌رو، دغدغه تأویل با پیامدهایی همراه است: سوءظن؛ بیان شیوه‌های تحریف؛ ارائه نحوه حضور و کنش‌های زنان یا مردان در زبان و رسانه‌های سلطه‌محور. در متن‌های مبتنی بر سلطه و فشار، تمام آثار موجود پنهان نگه داشته نمی‌شود. این آثار به روش‌های ایدئولوژیکی بلاغی هم‌سو با منافع سلطه‌گر از نو ساخته و پرداخته می‌شوند؛ تا آنجا که در این متون، نادیده‌گرفته‌شدن و بی‌اهمیت‌بودن زنان و مردان به‌عنوان واقعیت «مسلم» و بر اساس «عقل سلیم» مطرح می‌شود. چنانچه خواهان تغییر کنش‌های نوشتاری ایدئولوژیکی بلاغی هستیم، باید ماهیت سلطه‌محور آن متون بر ملا و محتوای سرکوب‌گرایانه آن‌ها ریشه‌کن شود. در نتیجه، بهترین تعریف برای هرمنوتیک سوءظن، کنش ساختارشکنانه و کاوشگرانه برای ابطال بدیهی‌بودن کنش‌های زبانی فرهنگی سلطه‌گرایانه و ابهام‌زدایی از آن‌هاست، نه کوشش برای کنارزدن لایه‌های متعدد رسوبات فرهنگی که حقیقتی عمیق‌تر را پنهان یا سرکوب می‌کنند.^۱

در نگاه کلی، به نظر می‌رسد که هرمنوتیک سوءظن فقط هرمنوتیکی وفادارانه به متن است و برای احیای سنت مسیحی نیست. همچنین تفاوت دقیق میان مجموعه سیستم سلطه‌محور به‌عنوان نوعی سیستم نمادین زبانی و «پدرسالاری/سلطه‌سالاری»^۲ به‌عنوان نوعی سیستم اجتماعی، وجه بارز تفکر فیورنزا در این موازنه قدرت مردانه در متن است.^۳ با توجه به اینکه مردم‌محوری به زبان و دستورزبان و متن کتاب مقدس تعلق دارد، در خوانش‌های فمینیستی منتقدانه، باید ارزش‌های سلطه‌طلبانه نیز مشخص و آشکار شوند؛ نه آنکه به‌واسطه ارزش تقدس به‌اشتباه مورد تأویل‌های توجیه‌کننده قرار بگیرند و گاهی حتی خود زنان نیز آن‌ها را درونی‌سازی کنند.

فیورنزا معتقد است که تفسیر و تأویل فمینیستی کتاب مقدس، باید توجه خود را از متن سلطه‌طلبانه بردارد و بر شیوه‌های خوانش و درونی‌سازی متن‌های اقتدارجویانه توسط زنان متمرکز کند. همچنین آگاهی‌های کاذب^۴ را از چگونگی شکل‌گرفتن خوانش‌هایی که این ارزش‌ها را درونی کرده‌اند، دریابد و آن‌ها را بر ملا سازد.^۵ او تلاش می‌کند تا حد زیادی

1. Schussler Fiorenza, *Sharing her Word*, p.72.

2. Androcentrism/Kyriocentrism

3. Ibid, p. 81.

4. False Consciousness

5. Ibid, p. 77.

با تفسیر انتقادی، خودآگاهی لازم را نسبت به آشکارسازی و بازآفرینی متنِ سیوررت یافته گسترش میدهد.^۱ هرمنوتیک سوءظن، کنشی تفسیری است که از طریق آن، حتی تفکر که به صورت زبانی شکل گرفته است، از سلطه زبان مردانه می‌گریزد. به باور فیورنزا، وظیفه هرمنوتیک سوءظن نه بیرون‌کشیدن یا برملاکردن حقیقت تاریخی و اعتقادی، بلکه گره‌گشایی از سازوکار ایدئولوژیکی زبان مردانه سلطه‌جویانه است. از نظر دستوری، زبان سلطه از سیستم بسته‌ای از علائم تشکیل نشده است؛ بلکه به صورت تاریخی و اجتماعی بنا شده است.^۲

هرمنوتیک سنجش و ارزیابی

هرمنوتیک سنجش و ارزیابی، متون و سنن را از نظر اخلاقی و اعتقادی بلاغی بودن، می‌سنجد. این هرمنوتیک می‌خواهد درباره گرایش‌های سرکوبگرانه و رهایی‌بخش مکتوب در متون مذهبی و کارکرد آن‌ها در باقی‌ماندن در فرودستی یا مبارزه رهایی‌بخش زنان حال حاضر داوری کند. با وجود این، متون و سنن را به‌عنوان سرکوب‌کننده یا رهایی‌بخش معرفی نمی‌کند؛ بلکه چگونگی کارکرد آن‌ها را در موقعیت‌های خاص گوشزد می‌کند. معیار سنجش و ارزیابی در تجزیه و تحلیل فراگیر سلطه‌طلبی، در نظر گرفتن بهروزی و آسایش تمام زنان و تثبیت موقعیت آنان به دور از تمایزها به لحاظ رنگ پوست، نژاد، طبقه اجتماعی/ فرهنگی، دین و مذهب است. هرمنوتیک سنجش و ارزیابی تأکید می‌کند که مسیحیان باید از موعظه متون سلطه‌طلبانه به‌عنوان «کلام خداوند» پرهیز نمایند؛ زیرا با این کار اعلام می‌کنند که خداوند به ستم سلطه‌طلبانه مشروعیت داده است.

هرمنوتیک تجسم خلاقانه

«هرمنوتیک تجسم خلاقانه» به‌نوبه خود می‌خواهد تصاویری آرمانی به وجود آورد و رؤیای جهانی عادلانه و مطلوب را بپروراند؛ بنابراین می‌کوشد تا به بازگویی داستان‌های کتاب مقدس بپردازد و شکل جدیدی به بینش مذهبی ببخشد و کسانی را که موجب این تغییر شده‌اند، ارج نهد. در هرمنوتیک تجسم خلاقانه همواره نوعی هرمنوتیک اشتیاق نیز وجود دارد. آلیشیا ساسکین استرایکر^۳ هرمنوتیک اشتیاق را چنین تعریف می‌کند: «شما چیزی را

1. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Transforming Vision*, Minneapolis, Fortress Press, 2011, p. 204.

۲. Schussler Fiorenza, *Sharing her Word*, p. 121.

۳. Alicia Suskin Ostriker

می‌بینید که میل دارید ببینید.» بر این اساس، می‌توان با استفاده از روایت‌های دیگری همچون روایت «میرام در میدراش»^۱ توسط روایتگران یا نقش‌آفرینان کتاب مقدس که تاکنون بازگو نشده‌اند، تجربه‌ای دوباره یا «تجسم دوباره»^۲ را به نمایش گذاشت.^۳

هرمنوتیک تجسم خلاقانه به دنبال بازگویی داستان‌های کتاب مقدس از دیدگاه زنانه، فرموله کردن مجدد امیدها و فرمان‌ها با نگرش برابری زنان و مردان در پیروی از مسیح و نیز نقل و گسترش روایت‌های مربوط به آثار برجامانده از زنان در متون مردمحور است. برای این کار از همه امکانات موجود، همچون ابتکارات هنری و خلاقیت ادبی و موسیقی، بهره می‌گیرد. طی قرون متمادی، کتاب مقدس به عنوان نمونه و الگوی اصلی اولیه، الهام‌بخش خلاقیت هنری و پیرایه‌های افسانه‌ای بوده است. کلیسای پدرسالار در متون کتاب مقدس عهد عتیق و آیین نماز و نیایش‌های مقدس، بعضی از وجوه داستان کتاب مقدس را به صورت آیینی درآورده و «پدران پایه‌گذار» مذهب مسیح را تحسین و تقدیس کرده است.^۴

هرمنوتیک تجسم خلاقانه، خواهان همین آزادی خلاقانه و ابتکارهای پرطرفدار و قدرت آیینی است. امروزه، زنان علاوه بر بازنویسی داستان‌های کتاب مقدس درباره زنان، دست به تدوین مجدد دعا‌های پدرسالارانه و خلق مراسم آیینی زنانه برای گرامیداشت نیاکان خود زده‌اند. زنان در داستان، شعر، تئاتر، مراسم آیینی، ترانه و نیز رقص، رنج‌ها و پیروزی‌های خواهران گذشته خود را دوباره کشف می‌کنند و در تصاویر و نمادهای جدید به دنبال نام‌گذاری مجدد خداوند و اهمیت مسیح هستند.

بازانگاری (خاطره مجدد) و بازسازی

هرمنوتیک «بازانگاری (خاطره مجدد) و بازسازی» قصد دارد تا با کنارگذاشتن پویایی متن مردمحور در چهارچوب‌های مکتوب آن و بازسازی محتوای آن بر اساس الگویی اجتماعی سیاسی، امکان دیده شدن «دیگران» سرکوب شده و به حاشیه رانده شده را فراهم کند. همچنین با زنده کردن تاریخ مذهبی زنان، خاطره قربانی شدن‌ها، مبارزه و دستاوردهایشان، سبب شود تا آن‌ها را به عنوان میراث زنانه بشناسند. هدف این دسته، علاوه بر اصلاح

۱. Midrash on Myriam the prophetic leader of the Exodus. (Myriam's Vision)

۲. Re-embodied

۳. Schussler Fiorenza, *Wisdom Ways*, p. 179.

۴. Ibid, p. 181.

۵. Re-Membering

تاریخ، سامان‌دهی دینی دوباره این جهان است.

هرمنوتیک خاطره می‌خواهد به‌جای کنار گذاشتن متون کتاب مقدس مردم‌محور و سنن پدرسالارانه، با کمک تجزیه و تحلیل تاریخی منتقدانه از متن مردم‌محور فراتر رفته و به تاریخ زنان در مسیحیت برسد. هرمنوتیک خاطره، رنج‌ها و مبارزه‌های زنان از طریق قدرت ویرانگر گذشته را یادآوردی و آن را بازیابی و احیا می‌کند.^۱ این خاطره علاوه بر زنده‌نگه‌داشتن رنج‌ها و امیدهای زنان در گذشته مسیحیت، باعث اتحاد جهانی زنان گذشته و حال و آینده می‌شود. باقی‌مانده‌ها نشان می‌دهد که روند پدرسالارانه‌شدن از ویژگی‌های ذاتی جامعه مسیحی نبوده است و به تدریج و با دشواری پیش رفته است. به‌طور خلاصه، نخستین وظیفه هرمنوتیک فمینیستی خاطره، زنده‌نگه‌داشتن عشق به مسیح و بشریت، به‌خصوص زنان پیرو کتاب مقدس و همچنین احیای میراث کتاب مقدس آنان است. این میراث با شناخته‌شدن به‌عنوان تاریخ سرکوب پدرسالارانه، به‌شکلی نادرست معرفی شده است و باید به‌عنوان تاریخ‌هایی بازشناخته شود.^۲

تغییر و دگرگونی (صیوررت)

تفسیر و تحلیل فمینیستی باید راه‌های تغییر و دگرگونی روابط برتری‌طلبانه مکتوب در متون مقدس را که به‌واسطه سنت‌ها و زندگی روزمره مشروعیت یافته است، پیدا کند. همچنین در برابر زنانی که در لایه‌های زیرین هرم سلطه‌طلبی و قدرت‌طلبی و تبعیض در حال مبارزه‌اند، پاسخ‌گو باشد و مطالعات مذهبی را به عرصه تغییرات اجتماعی، سیاسی و مذهبی تبدیل کند. هرمنوتیک فمینیستی منتقدانه، برای‌رهایی در تلاش است. این هرمنوتیک مذهب و مقدسات را بازستانده و به‌شکل پارادایمی آزاد و نامحدود درآورده است تا دگرگونی امکان‌پذیر شود.

فیورنزا برای رسیدن به این هدف از طریق هرمنوتیک فمینیستی منتقدانه به بررسی متون و سنت‌های دینی و بینش‌های مذهبی، همراه با برابری و عدالت می‌پردازد. با این حال، به نظر می‌رسد که هرمنوتیک فمینیستی فقط زمانی می‌تواند اصول دموکراتیک بنیادین خود را مشخص کند که گفتمان‌های سلطه‌طلبی، کنار گذاشتن جایگاه زنان در متون و سنن مذهبی را به چالش بکشند و به‌سوی مطالعات انتقادی و درک متفاوتی از سعادت بشر

۱. Ibid, p. 184.

۲. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Bread not Stone*, Boston, Beacon Press, 1995, p. 19.

رهنمون شوند.^۱

گذار از کهن‌الگو^۲ به الگوی آغازین^۳

فیورنزا میان دو مفهوم کهن‌الگو و الگوی آغازین فرق می‌گذارد. به باور او کتاب مقدس باید از تعریف «کهن‌الگویی» به بازتعریف «الگوی اولیه» تغییر مسیر واژگانی دهد؛ زیرا کهن‌الگو، شکل آرمانی الگوی تغییرناپذیر است. همچنین الگوی آغازین، الگوی محدودکننده و جاودانی نیست و امکان تغییر ضروری در آن وجود دارد. اندیشیدن بر اساس الگوهای آغازین، به اسطوره‌ها جنبه تاریخی می‌بخشد. از آنجا که الگوی هرمنوتیکی، خواهان موقعیتی است که تاریخ و حقیقت کتاب مقدس را بدون نقد ایدئولوژیکی به نام خود طرح کند، متألهان فمینیست رهایی‌بخش باید الگوی جدیدی برای تفسیر کتاب مقدس ایجاد کنند که جدا از تفسیر سنتی و کلاسیک و در چهارچوب‌های منتقدانه رهایی‌بخش باشد.^۴ تفسیر هرمنوتیکی کتاب مقدس آشکارا نشان می‌دهد که حقیقت الهی و حضور مکاشفه‌ای میان زنان که اعضای نادیده‌گرفته‌شده امت خداوند هستند، مشاهده می‌شود. دریافت‌کنندگان و اعلام‌کنندگان مکاشفه فقط مردان نیستند؛ بلکه زنان نیز در این گروه جای دارند.^۵

به‌زعم فیورنزا کتاب مقدس تجارب زنان را نادیده می‌گیرد، با زبان مردانه از خداوند صحبت می‌کند، باعث تداوم ناتوانی و قدرت‌نداشتن زنان در جامعه و کلیسا می‌شود، به فرودستی اجتماعی و اعتقادی زنان و شهروند درجه‌دوم بودن آنان دامن می‌زند، بر سلطه و خشونت مردان علیه زنان اهتمام می‌ورزد و پیوندهای زناشویی پدرسالارانه را مشروعیت می‌بخشد. کتاب مقدس از سویی، مهر پدرسالارانه را بر جبین خود دارد و از سوی دیگر، کلام خداوند است. مضامین پدرسالارانه و توجیه‌ناپذیر آن باعث می‌شود تا در قالب اسطوره‌های کهن‌الگویی تفسیر شود. همین امر باعث خواهد شد که قدرت تغییر و اصلاح نداشته باشد و همواره امری ثابت تلقی شود. شناخت کتاب مقدس به‌عنوان الگویی تاریخی و آغازین به‌جای کهن‌الگویی اسطوره‌ای، به کلیسای زنان این امکان را می‌دهد تا با تجربه‌ها

۱. Schussler Fiorenza, *Wisdom Ways*, p. 187.

۲. Archetype

۳. Prototype

۴. Schussler Fiorenza, *Bread not Stone*, p. 44.

۵. Ibid, p. 13.

و مبارزه‌های تاریخی و انتخاب‌های زنان برای ایجاد تصویرهای جدید در آینده ارتباط برقرار کند.^۱ تفاوت میان اسطوره و تاریخ در همین است که اسطوره تداومی جاودانه و باثبات دارد؛ اما تاریخ با صیوررت و تغییر گره خورده است.

به نظر می‌رسد که فیورنزا با درک هرمنوتیک متون مقدس^۲، تفسیر زنانه‌نگر، تفکیک تفسیر ظاهری و دستوری از تأویل تمثیلی استعاری^۳، در جهت خوانش متن با الگوی ضد مردم‌محوری غالب بر متن گام برداشته است. سپس توجهش را به سمت نشانه‌شناسی^۴ در متن معطوف می‌کند و هنر تأویل را نه تنها با جهان باستان یا روزگار عهدین، بلکه با مسائل مدرن هم‌سو کرده است. وی طی تفسیر مانتیکی^۵ (پیشگویی‌کننده) تأویل پیشگویی‌کننده و خلاقانه را سرآمد یافته‌های خود می‌سازد. همچنین می‌کوشد تا مانند راپسود^۶ (نقال یا سراینده دوره‌گرد) از طریق بازنمایی و هم‌ذات‌پنداری به ترجمان و شبیه‌سازی مؤلفه‌های متن از منظر زنانه بپردازد. او با تفسیر بلاغی، فمینیستی و منتقدانه خود، این بار به جای خدای مذکر هرمس به اسطوره متیس^۷ (زن زئوس و الهه خرد و تعقل) و آتنا (الهه حامی هنر، دانش، فن، جنگ و فرزند متیس) نظر می‌افکند. این اسطوره از منظر هرمنوتیکی نشان می‌دهد که نظام‌های سلطه‌جویانه، زنان را تا حد شیء تنزل داده‌اند. هرمنوتیک متیسی نشان می‌دهد که چگونه اسطوره‌ها، متون، سنن و اعمال مذهبی مردم‌محور غالب با به‌حاشیه‌راندن، دور از چشم نگاه‌داشتن یا تحریف تجربه، سنت، زبان، دانش و خرد، زنان را از تاریخ و دانش فرهنگی و مذهبی حذف می‌کنند. به‌باور فیورنزا، اسطوره‌زدایی^۸ از ویژگی‌های دوران معاصر است و هدفی جز آشکاری کلام خداوند ندارد. او کتاب مقدس را به‌منظور کشف معنای ژرف‌تر برای مفاهیم اساطیری تفسیر می‌کند تا معنای حقیقی کلام خداوند را از پوسته جهان‌بینی قدیمی و غیرواقع و مهجور آن رها سازد.^۹

۱. Schussler Fiorenza, *Transforming Vision*, p. 89.

۲. Hermeneutic of sacral

۳. Allegorical interpretation

۴. Semiotics (semiology)

۵. Mantic

۶. Rhapsode

۷. Metis

۸. De-mythologizing

۹. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *The Power of Naming*, New York, Orbis Books, 1996, p. 65.

روایت غایب زن در اندیشه فیورنزا

زنان مدعی نوعی وحدت تجربه‌اند که فیزیولوژی بر آن‌ها تحمیل کرده است و بر اساس همان تجربه، نسبت به مردان ضعیف‌تر تلقی شده‌اند. آنچه در ظاهر، تجربه انسانی در نظر گرفته می‌شود، در واقع تجربه مذکر است. نمی‌توان تجربه انسانی را با ارجاع صرف به تجربه مذکر مشخص کرد و محدوده‌های آن را تبیین و تعیین نمود؛ زیرا افراد مذکر، هنجار و الگوی انسانیت نیستند. هریک از ما گذشته از جنسیت خویش، مسئولیت تحقق خویشتن را بر عهده داریم.^۱

زن علاوه بر «دیگری» بودن، در مقایسه با مرد از نظر قدرت، زیردست محسوب می‌شود. همچنین زنان رنگین‌پوست یا فقیر نیز بیش‌ازپیش سرکوب می‌شوند و از آن‌ها بهره‌کشی می‌شود. این الهیات سعی دارد با بررسی تجربه زنان، در ضمن مبارزه با فقر و ستم و پدرسالاری، به پژوهش در متون و سنن جوامع و کلیسای مسیحی بپردازد تا برای رهایی از این قیود، گزینه‌ای رهایی‌بخشی ارائه دهد. با نیم‌نگاهی به کتاب مقدس و تاریخ کلیسا، متوجه می‌شویم که پوشش‌های گسترده‌ای برای نگارش تاریخ از دیدگاه زنان انجام گرفته است. فمینیست‌ها معتقد بودند که کشیشان و روحانیان مسیحی همواره در خواندن و نوشتن و تفسیر کتاب مقدس، دیدگاه مردانه را لحاظ می‌کرده‌اند و زنان را در چشم‌انداز مردسالارانه خود به حساب نیاورده‌اند. به عبارت دیگر، زنان در روایت مردان از کتاب مقدس غایب هستند.^۲

بنا بر آنچه گفته شد، بهترین راه‌حل برای رفع این مشکل، بازخوانی کتاب مقدس و تفسیر مجدد آن است. تفسیر فمینیستی متون مقدس باید به زنان در تفسیر انتقادی متون و بازیافتن توانایی روحی برای داوری درباره آنچه می‌خوانند، در جایگاه امری آگاهی‌بخش کمک کند. فمینیست‌ها با تأکید بر اینکه کتاب مقدس نه تنها به واسطه عنصر انسانی، بلکه توسط مردان نخبه^۳ و برگزیده نوشته شده است، به بحران اقتدار کتاب مقدس دامن زده‌اند. به باور فیورنزا، آموزه‌های کاتولیکی و اصل «فقط کتاب مقدس»^۴ پروتستان‌ها، هیچ‌کدام

۱. Goldestein, N. Sayving, "The Human Situation: A Feminine view", *Journal of Religion*, Vol. 40, No. 2, 1960, p. 100-112.

۲. Schussler Fiorenza, *Transforming Vision*, p. 217.

۳. Elite Man

۴. Sola Scriptura

نخوانسته‌اند «حقیقت و حیانی»^۱ ارائه شده برای «رستگاری زنانی که در سایه مردان هستند»^۲ را به خوبی تبیین کنند. علاوه بر این، آنچه را برای رستگاری و رهایی و سعادت زنان وحی شده است، نمی‌توان یک بار برای همیشه تشریح و تبیین نمود. معیار «رستگاری زنان» هم‌زمان، اخلاقی و عمل‌گرایانه و رسمی است که باید در هر موقعیت مبارزاتی اجتماعی و سیاسی و دینی تعریف شود. این معیار برآمده از ویژگی‌های درونی متن کتاب مقدس یا ذهنیت فردی خواننده نیست و باید همواره در جریان تفسیر اعتقادی و در چهارچوب‌های تاریخی خاصی تبیین شود. ارزیابی متون و سنت‌های کتاب مقدس باید در چهارچوب تجارب مذهبی واقعی و رهایی‌بخش و همچنین مبارزات خاص برای سعادت زنان، تشریح و تثبیت شود.^۳

فیورنزا همواره تأکید می‌کند که عمل‌کنندگان به تفسیر فمینیستی نقادانه، برای رهایی باید کتاب مقدس را با توجه به «کلیسای زنان»^۴ به‌عنوان مرکز تأویل (هرمنوتیکی) خود بخوانند. زنان، خود توانایی و مرجعیت بررسی و سنجش تفسیرهای عالمانه و متون کتاب مقدس را دارند. تفسیر فمینیستی نقادانه می‌خواهد با آگاهی‌بخشی درباره این واقعیت که چهارچوب معنایی نمادین و غالب و تعیین‌کننده در تمام تفسیرها سلطه‌محوری است، زنان قدرت پیدا کنند و در جایگاه مفسران معناساز هم‌زمان از وجود چنین ساختاری آگاه شوند. تفسیر نقادانه برای رهایی، تأثیر جنسیت و نژاد و طبقه بر شیوه خوانش و اهمیت جایگاه اجتماعی فرهنگی خاص خواننده را نشان می‌دهد. خواندن و تفکر در سیستم نمادهای سلطه‌محور، مانند ارباب، آقا، پدر و نیز شوهر، خواننده را به سمت موافقت با آنچه از نظر فرهنگی «مردانه» است، سوق می‌دهد.

رویکرد فمینیستی رهایی‌بخش، تفسیر کتاب مقدس را نه فقط مطالعه اعتقادی، بلکه کاری فرهنگی دینی در زمینه مقاومت و دگرگونی می‌داند. این رویکرد با استفاده از تجارب و تحلیل‌های برآمده از مبارزه زنان برای دگرگونی سلطه‌سالاری، به‌عنوان نقطه عطف تفسیری فمینیستی از کتاب مقدس، خواهان به‌رسمیت‌شناختن مرجعیت زنان مبارز برای نیل به بقا، رهایی، به‌چالش‌کشیدن مدعیان مرجعیت و ارزش‌های تبعیض‌آمیز پنهان در متون دینی است. تأکید فیورنزا این است که زنان به‌عنوان موجوداتی دارای باور باید بر حق

۱. Revealed Truth

۲. Wo/men's Salvation

۳. Ibid, p. 100.

۴. Ekklesia of Wo/men

معنوی خود برای ارزیابی معانی تبعیض‌آمیز و رهایی‌بخش برخی متون مقدس پافشاری نمایند.^۱

فیورنزا و تفسیر بلاغی کتاب مقدس

فیورنزا الاهیات فمینیستی را نه فقط به صورت مطالعات هرمنوتیک، بلکه از زاویه نقد بلاغی تشریح می‌کند. از دیدگاه او کاوش بلاغی برای شکل‌دادن به آگاهی تاریخی و دینی نقادانه، بهترین تفسیر است. چه بسا بتوان مطالعات زنان در حوزه دین را تحقیقی انتقادی در خصوص تاریخ سرکوب و دورنگه‌داشتن زنان دانست. به همین دلیل، تاریخ شروع هرمنوتیک فمینیستی که به درک و نقد مثبت و اعتباربخشی به سنن فرهنگی و دینی می‌پردازد، با هرمنوتیک غالب مردمحور تفاوت دارد. عواملی مانند به سکوت واداشته‌شدن، به حاشیه رانده‌شدن و نیز تحت فشار واقع‌شدن از نظر دینی و اعتقادی، باعث ایجاد تغییر و دگرگونی می‌شود. این دو مسئله که آیا زنان این پژوهش‌ها را پیش می‌برند یا این مطالعات برای زنان صورت می‌پذیرد، بسیار متفاوت‌اند. نظریه و الاهیات سیاسی فمینیستی، با توجه به مبارزات زنان علیه روابط سلطه‌محور، بر مقوله‌های قدرت و ساختارهای برتری‌طلبانه تأکید می‌کند. به همین دلیل، از دیدگاه فیورنزا الاهیات و مطالعات فمینیستی در زمینه دین، نوعی پژوهش اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تلقی می‌شود. همچنین تجلی برتری‌طلبی و نظریه‌های چندگانه درونی و مجموعه سیستم سلطه‌محور به معنای سیستم اجتماعی سلطه، خشونت، انقیاد زنان یا رویکردهای تفسیری وابسته به کتاب مقدس هستند.^۲

مسائلی همچون تأثیر زبان بلاغی کتاب مقدس در زمان امپراتوری روم، روش صحبت درباره خداوند و نحوه یادکردن از او با عناوینی چون سلطان بزرگ، امپراتور ملکوت، ارباب اربابان، جنگجوی انتقام‌جو و پدر قادر مطلق، امروزه در دوران مدرن و پسامدرن به پرسش‌های کلیدی در الاهیات تبدیل شده‌اند.^۳ فیورنزا ثابت می‌کند که مطالعات در حوزه الاهیات فمینیستی رهایی‌بخش و پسااستعماری، زبان خداوند را دارای ویژگی‌های مردسالار نخبه‌محور و سلطه‌طلب معرفی کرده است که در مکاشفه به صورت ضد زبان عمل می‌کند. او از زاویه متفاوتی نیز به موضوع زبان مردانه خدا پرداخته است که با بحث

۱. Schussler Fiorenza, *Changing Horizons, Explorations in Feminist Interpretation*, p. 106.

۲. Schussler Fiorenza, *Transforming Vision*, p. 77.

۳. Lord, Master, Father, Elite, Educated Man, Emperor, Pater

دربارهٔ یکتاپرستی و الگوی نظری هستی‌شناختی و ساختارهای تک‌خدایی و چندخدایی تضادی دوگانه دارد. در نهایت وی سه راهکار برای تعالی به‌سوی خداوند پیشنهاد می‌دهد:

۱. معرفی زبان خدای کتاب مقدس، به‌صورتی که نشانی از زبان سلطه‌محور و حاکم‌مآبانه ندارد؛

۲. روش اسطورهٔ متفکرانه، برای معرفی «حکمت الاهی»^۱ که به‌شکل الههٔ «کوان یین»^۲ در سنن آسیایی به کار می‌رود؛

۳. چهار شیوهٔ هرمنوتیکی الاهیات سلبی^۳، تمثیلی^۴، تعالی^۵ و عمل‌گرایی^۶، به‌منظور بی‌ثباتی و به حرکت واداشتن تمام سخنانی که دربارهٔ خداوند گفته می‌شود.

فیورنزا همواره کوشیده است تا نمود بلاغی این خوانش را به‌طور عملی در شیوهٔ نگارش و خوانش ادبی خود نیز رعایت کند. او با وضع شیوهٔ نگارش غیرجنسیتی و قراردادن اصطلاحاتی خاص، بر آشکارسازی چنین ادبیات ویژه‌ای تکیه کرده است. به باور او، قواعد سنتی و معیارهای هستی‌شناختی متافیزیکی صحبت دربارهٔ خداوند باید متحول شود. در الگوی فمینیستی با صبغهٔ سلطه‌زدایی، دیگر خداوند نه خدای سرکوب و سلطه، بلکه خدای رهایی‌بخش است.^۷

زبان و قدرت

ارتباطات اجتماعی که به ایجاد تفاوت‌های جنسیتی می‌انجامند، ارتباطات سلطه‌طلبانه‌ای هستند که در زبان رمزگذاری شده‌اند. زبان‌ها و گفتمان‌های مردم‌محور فقط باعث به حاشیه رانده شدن یا حذف زنان از تاریخ فرهنگی دینی نمی‌شوند؛ بلکه معنای جدیدی از زنانگی می‌سازند. زن و ماده و مؤنث بودن ربط چندانی به جنسیت فرد ندارد؛ بلکه به جایگاه او در «سیستم اجتماعی‌نمادین سلطه‌طلبی برای سرکوب چندگانه»^۸ برمی‌گردد. معنای «زن»

۱. Sophia Wisdom – Sophia/ Divine Wisdom/ Divine Kannon (Kanzoneon)/

Goddess of Mercy/ Chokmah/ Shekhinah/ Ruach

۲. Kuan Yin

۳. Via Negativa

۴. Via Analogia – Via Affirmatiiva

۵. Via Eminentia

۶. Via Practica

۷. Schussler Fiorenza, *The Power of Naming*, p. 162.

۸. Socio-Symbolic Kyriarchal System of Multiform Oppressions

ناپایدار و همواره در حال تغییر است. این ناپایداری به دلیل ارتباط جنسیتی نیست؛ بلکه در بافت مندی «درک معنا در چهارچوب متن یا محتوا»^۱ و در سیستم اجتماعی‌ای که در آن موجودیت می‌یابد، ریشه دارد.^۲

در نظام زبانی سلطه‌طلبانه غربی، واژگانی همانند بانو و خانم و مادر^۳ در واقع در جایگاه «دیگری» همتای ارباب و رئیس و پدر^۴ به شمار می‌آیند و زنان دیگر که به واسطه نژاد، طبقه اجتماعی، مذهب یا فرهنگ فرودست‌اند، «دیگرانِ دیگر»^۵ محسوب می‌شوند. در نتیجه، به هیچ وجه در مکتوبات تاریخی سلطه‌طلبانه به آن‌ها اشاره نمی‌شود؛ برای مثال، چنانچه رساله غلاطیان^۶ را با روش سلطه‌محور بخوانیم، با این متن مواجه می‌شویم: «در مسیح، نه یهودی‌ای وجود دارد و نه یونانی‌ای، نه برده‌ای و نه آزادی‌ای، نه مذکری و نه مؤنثی.» معمولاً این متن به شکلی تفسیر می‌شود که به سه گروه اجتماعی متفاوت اشاره می‌کند: الف. یهودیان و یونانیان به‌عنوان گروه‌های مذهبی قومی؛ ب. برده و آزاد به‌نشانه شاخص‌های اجتماعی سیاسی؛ ج. مذکر و مؤنث به‌عنوان تعیین‌کننده‌های جنسیت.

با وجود این، در چنین تفسیری راهکارهای پیچیده زبان سلطه‌محور در نظر گرفته نمی‌شوند. تفسیر به‌طور ضمنی القا می‌کند که دوگانه‌های یهودی و یونانی و برده و آزاد به مردان اطلاق می‌شود و فقط دوگانه سوم، یعنی مذکر و مؤنث به جنسیت اشاره دارد. علاوه بر آن، خواندن متن «به‌عنوان یک زن» این نکته را تقویت و درونی می‌کند که زنان و مردان اساساً با یکدیگر تفاوت دارند و مذکر و مؤنث نمایندگان کهن‌الگوهای ستیزه‌گر یا مکمل بشرنند. به این ترتیب، با تثبیت و عینیت‌بخشیدن به ساختارهای جنسیتی اجتماعی فرهنگی، آن‌ها را طبیعی و مهم یا الهی جلوه می‌دهد.^۷

بر اساس این دیدگاه هرمنوتیکی، زبان مردم‌محور از نظر دستوری می‌تواند به‌صورت «طبیعی» یا با ذکر جنسیت یا به‌عنوان زبانی عمومی و فراگیر کاربرد داشته باشد. خوانندگان در تعامل با متن‌های سلطه‌محور، تصمیم می‌گیرند که چطور آنان را در موقعیت‌های

۱. Contextualization

۲. Schussler Fiorenza, Elisabeth, *The Power of the word*, Minneapolis, Fortress Press, 2007, p. 199.

۳. Lady, Mistress, Mother

۴. Lord, Master, Father

۵. Others of the other

۶. Galatians 3:28

۷. Ibid, p. 205.

اجتماعی سیاسی و چهارچوب‌های ایدئولوژیکی فرهنگی مذهبی خاص خود بخوانند. چگونگی ساخته شدن معنا، فقط به نوع خواندن نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی نوشته شده در متن بستگی ندارد؛ بلکه به «بین متن‌ها»^۱ و «چهارچوب‌های معنایی»^۲ یا «پارادایم‌های تفسیری»^۳ آی بازمی‌گردد که خواننده برای تفسیر نشانه‌های زبانی و نمادهای متنی برمی‌گزیند. اگر متن‌ها به جای اینکه سیستم‌های بسته‌ای باشند که خواننده را وادار به خواندن یا فهم نوشته‌های از پیش تعیین شده می‌کنند، او را به گفت‌وگوی باز اجتماعی سیاسی متن دعوت کنند، آنگاه تفسیر متن‌ها بیشتر با کمک بینامتن‌ها و الگوهای خواندن و چهارچوب‌های معنایی انتخابی خود خوانندگان انجام خواهد شد.

بنا بر آنچه گفته شد، در خوانش فمینیستی باید نخست منتقدانه به بررسی سیستم جنسیتی متن نگاه کرد و با کمک هرمنوتیک سوءظن مفهوم آن را تحلیل کرد. بیشتر خوانندگان بر اساس دریافت معنایی منطبق با «دریافت همگانی»^۴ از حقیقت و زبان، با متن مواجه می‌شوند. تمایل به درونی کردن جنسیت و خواندن آن بر اساس کهن‌الگوهای مردانگی و زنانگی، خالی از ساختاری منطبق با دریافت همگانی متداول از حقیقت است. خوانش جنسیتی «زن‌محور»^۵ که فقط خواستار دگرگونی و نابودی تفسیر مردانه سلطه‌محور در جهان است، حاصلی به جز درونی کردن و تحکیم مجدد همان نظام نخواهد داشت.^۶

تطبیق روایت‌های کتاب مقدس با الگوی هرمنوتیکی فیورنزا

فیورنزا در روند تفسیر انتقادی، علاوه بر نقد ادبی فمینیستی و نظریه نقد و تاریخ‌نگاری، از چهار راهکار هرمنوتیکی مهم نیز بهره می‌برد. او به پژوهش پیرامون متون و تاریخ کتاب مقدس درباره زنان می‌پردازد و آن را نخستین راهکار برای یافتن اطلاعاتی از زنان رانده شده به حاشیه که جایگاهشان تحریف شده است، می‌داند. وی در حین تمرکز روی شخصیت‌های زن در کتاب مقدس و تفسیر «فمینیستی و وومنیستی»^۷ با این داستان‌ها از دیدگاه

۱. Intertexts

۲. Frame of Meaning

۳. Reading Paradigms

۴. Common sense

۵. Gynocentric

۶. Schussler Fiorenza, *Sharing Her Word*, p. 96.

۷. Womanistic

هرمنوتیک سوءظن مواجه می‌شود. او علاوه بر تحلیل انتقادی تاریخ تفسیر آن‌ها، عملکردشان را در شیوه بلاغی متن انجیلی نیز بررسی می‌کند و پیش از تجسم دوباره و بازگویی آن‌ها به شیوه فمینیستی و وومنیستی، احساسات برانگیخته شده توسط آن‌ها و ارزش‌هایی را که به نمایش می‌گذارند، نقد می‌کند.

در مرحله بعد، او به منظور معطوف ساختن توجه منتقدانه به صدای زنان در سنت دینی و حفظ آثار بسیاری از زنان فراموش شده یا ناشناخته، به بازبازی آثار نوشته شده توسط زنان می‌پردازد. همچنین در مرحله پژوهش‌های تاریخی، با استفاده از هرمنوتیک سوءظن و نقد ماهیت ایدئولوژیکی متون، مردم‌محوری نهفته در آن را بازسازی و بازنویسی می‌کند. وی می‌کوشد تا مکتوبات ایدئولوژیکی را به عنوان ساختار ایدئولوژیکی پیچیده، رمزگشایی نماید. نقد ادبی فمینیستی می‌خواهد با آشکارسازی گرایش‌های مردم‌محور متن، نوعی هرمنوتیک مقاومت را در مقابل سیاست‌های مردم‌محور متن کلیسایی به وجود آورد. در نهایت، فیورنزا می‌کوشد تا کتاب مقدس را به عنوان منبع توانایی‌بخش و میراثی برای بازگشت به الگوی اولیه، همانند تمثیل «نان» و نه بر اساس کهن‌الگویی تغییرنیافتنی همچون «سنگ»، اصلاح کند.^۱

نتیجه‌گیری

فیورنزا شیوه نگریستنِ راوی مذکرِ دانای کل به متون مقدس و جهان پیرامون را به دلیل جانب‌دارانه و ایدئولوژیک بودنش مردود می‌شمارد. در واقع، این طبیعت مردم‌محور جامعه است که زبان زنان و تفسیر کتاب مقدس و شیوه طبیعی نگرش به جهان را مشخص می‌کند و به‌ناچار هم‌گوینده و هم‌مفسر آن شمرده شده است. او طرح هرمنوتیک هفت‌گانه را به‌همراه تفسیر بلاغی، فمینیستی و منتقدانه اسطوره متیس و آتنا بررسی می‌کند. با این بررسی، او نشان می‌دهد که چگونه اسطوره‌ها، متون، سنن و اعمال مذهبی مردم‌محور، با به‌حاشیه‌راندن زنان و از چشم دور نگاه‌داشتنشان یا تحریف تجربه، سنت، زبان، دانش و خردشان آن‌ها را از تاریخ و آگاهی فرهنگی و مذهبی حذف می‌کنند.

این اصطلاح را نخستین بار آلیس واکر کنشگر سیاه‌پوست در آمریکا به منظور تفکیک نژادی در مطالعات حوزه فمینیسم استفاده کرد و تأکید داشت که نباید «فرهنگ زیسته» هر زن را از نظر دور داشت؛ بنابراین وومنیسم برخلاف فمینیسم وسیع‌تر است و تمرکز اصلی‌اش بر نابرابری، تبعیض، سرکوب نژادی و طبقاتی بوده است و نابرابری جنسیتی را زیرمجموعه‌ای از این انواع سرکوب می‌داند.

۱. برگرفته از مضمون عنوان کتاب نان نه سنگ، نوشته الیزابت شوسلر فیورنزا.

وی با کمک «هرمنوتیک سوءظن» این موضوع را «اعلان» می‌کند و نه تنها نقش زنان تأثیرگذار در کتاب مقدس را نشان می‌دهد، بلکه در موقعیت‌های بسیاری به تحریف‌های پیدا و پنهان و دگرگون‌شده ناشی از ساختارهای سلطه و سرکوب که تغییر صورت و ماهیت داده‌اند، می‌پردازد. از این منظر او اسامی، ضمائر، رویدادها، حوادث، قصه‌ها و شخصیت‌های متن مقدس را بررسی کرده و بازآفرینی و رمزگشایی روایت‌های ازدست‌رفته در متون مقدس را یادآوری می‌کند. در ادامه، او دست به «خلق و بازسازی» بر اساس حکمت الهی و الگوی آغازین و «تجسم دوباره» می‌زند و معناسازی واقعیت را پیش می‌کشد. فیورنزا با حرکت و چرخش‌های خلاقانه تفسیری می‌کوشد تا به دام الاهی‌گرایی افراطی یک‌جانبه و قطع ریشه‌های مذهبی خود با مبدأ اولیه الاهیاتی‌اش نیفتد تا با الگوی تجربه زنانه و فن بلاغی به‌جامانده در زبان مردمحور، رمز سلطه اجباری تحمیلی مردانه بر متن کتاب مقدس را آشکار کند.

آنچه فیورنزا را از دیگران متمایز می‌سازد، علاوه بر تشریح مطالعات و الیهات هرمنوتیکی فمینیستی، مطالعات بلاغی انتقادی اوست که نوعی شیوه جدید فرهنگی و بررسی انتقادی را بسط و گسترش می‌دهد. هرمنوتیک سوءظن افزون بر اینکه متن را بی‌اعتبار نمی‌کند، ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها و روایت‌های غایب زنانه را نیز کشف می‌کند و نقاب از رخ واقعیت‌هایی برمی‌دارد که در طول تاریخ چهره دیگری به خود گرفته‌اند. او در ادامه به روایت آنچه تاکنون زیر لگام مردمحوری‌های زمانه جرئت بروز و ظهور نداشته‌اند، می‌پردازد. سپس تک‌تک واژه‌ها، زیبایی بیان، بلاغت، تفسیر، تأویل، فهم آن توسط خواننده، کشف قصه و همچنین اقتدار حکم نهایی آن امر مقدس را که قصد بر پنهان نگه‌داشتنش بوده است، بازآفرینی و بازسازی می‌کند. فیورنزا نخست ساختار مفهومی را به‌نوعی تخریب می‌کند؛ زیرا به باور او فقط غبارروبی و اکتشاف کارگشا نیست. وی سپس به لایه‌های زیرین و تغییر هویت داده‌شده، اعتبار می‌بخشد. او پس از این تخریب، در فکر ساخت بافتار متن می‌افتد و با مراجعه به اصل آن و با کمک تأویل (به‌معنای اول برگرداندن واقعیت)، در احیای روایت غایب و خاموش‌شده زنان در کتاب مقدس می‌کوشد. در این فرآیند، فهم و خوانش دیگری از متن مقدس شکوفا می‌شود و این فهم جدید به بازتولید آثار و پیامدهایی نوین در عرصه فرهنگی و اجتماعی و قانونی برای زنان در آینده می‌انجامد.

منابع و مأخذ

- حیدرزاده، زهرا، «بررسی جایگاه زنان در اندیشه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: دوگانه زن آسمانی - زن زمینی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۲۳، شماره ۳، تهران، هفتم، ۱۳۹۲.
- دیلی، مری، *فراتراز خدای پدر*، فرناز عبدالباقیان، تهران، نشر هرمس، ۱۴۰۰.
- *کتاب مقدس*، ترجمه قدیم، تهران، انتشارات ایلام، چاپ هفتم، ۲۰۱۶.
- مبلغ، زهرا، *ایمان به مثابه عقل*، رهیافتی معرفت‌شناسانه به الاهیات فمینیستی، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱.
- نصراصفهان‌نی، مریم، *پروای دیگران*، درآمدی بر فلسفه اخلاق مراقبت، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.
- Collins, Shila, "Reflections on the Meaning of Herstory", *Womanspirit Rising: A Feminist Reader in Religion*, Ed by Carol P. Christ & Judith Plaskow, 1979.
- Goldstein, Valerie Sayving, "The Human Situation: A Feminine View", *Journal of Religion*, Vol. 40, No. 2, 1960.
- Grieser, Alexandra, "Gender Stereotypes", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden & Boston, 2006.
- Grieser, Alexandra, "Sexuality", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden & Boston, 2006, Vol. 4.
- Naomi Hyman, *Biblical Women in the Midrash: A Sourcebook*, New York, Jason Aronson, 1997.
- Schenkluhn, Angela, "Women's Movement/ Spiritual Feminism", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden & Boston, 2006, Vol. 5.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Bread not Stone*, Boston, Beacon Press, 1995.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Changing Horizons*, Minneapolis, Fortress Press, 2013.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *In Memory of Her*, New York, Crossroad Publishing, 1994.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Sharing Her Word*, Boston, Beacon Press, 1998.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *The Power of Naming*, New York, Orbis Books, 1996.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *The Power of the Word*, Minneapolis, Fortress Press, 2007.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Transforming Vision*, Minneapolis, Fortress Press, 2011.
- Schussler Fiorenza, Elisabeth, *Wisdom Ways*, New York, Orbis Book, 2001.
- Tribble, Phylis, "Eve and Adam: Genesis 2-3 Reread", *Womanspirit Rising: A Feminist Reader in Religion*, Ed by Carol P. Christ & Judith Plaskow, 1979.